

و مردم درون میروند و بر حضرتش سلام و با وی مصافحه میکنند . میگوید چند بار نزدیک شدم مرا باز داشتند از ایشان پرسیدم : چرا ایان من و پیغمبر حاجب گشته اید گفتند : تو که فردا میخواهی بسوی عراق بازگردی نباید بر رسول خدای در آمی و سلام کنی بر او ، گفتم : میمانم و نمیروم ، چون از من پیمان گرفتند مرا باز دادند ، درون رفتم بر پیغمبر سلام دادم و با من مصافحه کرد ، بامدادان کرایه را فسخ کرده و مجاور گشت در مکه تا مرد . گفته اند خواب را در مدینه طیبه دید ، و در آنجا در گذشت پس از رحلت حاجیان از مدینه به سه روز .
در گذشت ابو عبید در محرم سال ۲۲۳ هجری ، در مکه یا مدینه ، در روزگار ولایت معتصم ، ۶۷ سال در جهان زیست .

ابن مجاهد وقف کتابخانه مدرسه فیه

ابو بکر احمد بن موسی بن العباس بن مجاهد التیمی البغدادی الحافظ المقری . احمد بن مجاهد بغدادی امامی حافظ و مقری و محدث بود . ابن مجاهد در ربیع دوم سال ۲۴۵ هجری در بغداد بجهان آمد .

ابن مجاهد فرید عصر خود در علم و عمل . ریاست علمیه بغداد در روزگار او بوی منتهی گشت . ابن مجاهد شیخ القراء عراق بود . ثعلب النحووی گفت : بجای نمانده است در روزگار ما اعلم بکتاب خدای از ابو بکر بن مجاهد . کاتب فقه مأموناً .

ابن مجاهد قرائت کرده است حروف را - سماعاً - از اسحاق بن احمد الخزاعی و محمد بن یحیی الكسائی الصغیر و بسیاری از ائمه دیگر .

ابن مجاهد در حلقه قرائت خود در بغداد ۸۴ خلیفه داشت . فقیه ابو سعید احمد بن محمد بن حمدیج الحمیدی میگوید : آمد و شد داشتم به حلقه ابو بکر بن مجاهد ، مرا برای فقه اکرام میکرد . ولع و ازدحام مردم را بر قرائت کردن بر او دیده روزی گفتمش : ای امام ! ما یلم بر تو قرائت کنم . گفت : نیک است ، اگر میخواهی بر من قرائت کنی بنشین میان شاگردان . خود را از کنار او برو برویش کشانیدم .

چون آغاز بقرامت کردم و بر رسم عامه گفتم «بسم الله الرحمن الرحيم» گفت : پس است ، با این بضاعت بر من قرائت میکنی ؟ چندی برو نزد آن جوان که ارشادت کند پس آنگاه بیا بر من قرائت کن . بی اندازه شرمسار گشتم و از آن روز ترك كرد اكرام مرا . این قصه میزان سنجش صحت قرائت مجالس قرآن و نماز بیشتر ائمه جماعات ما را بدست میدهد .

ابن مجاهد با کثرت فضل و وفور علم و نبالت و دیانتش و معرفتش بقرائتها و بعرض در علوم قرآن خوش خلق ، نیکو ادب کثیر المداعبه و متفطن و بخشنده بود ابن مجاهد قدر و منزلتی داشت نزد امراء و بزرگان . روزی یکی از اصحابش سپارشنامه می خواست بسوی هلال بن بدر در حاجتی که داشت . ابن مجاهد خامه را برداشت نامه می برایش نبشت و سرش را بسته بدستش داد . چون برد و رسانید هلال حاجتش را چنانکه دلخواهش بود بر آورده پرسید آیا میدانی امام چه نبشته است ؟ گفت نه . نامه را بدو نمود در آن نبشته بود : بسم الله الرحمن الرحيم حامل كتاب اليك حامل كتاب الله عنى والسلام وصلى الله على سيدنا محمد وآله .

ابوالحسن بن سالم البصرى الصوفى ميگويد : شنيدم ابن مجاهد ميگفت : «رب العزة را در خواب ديدم و بر او دو ختم قرآن خواندم و در دو جای لحن کرده و اندوهناك گشتم خدايتعالي گفت يا ابن مجاهد! الكمال لى ، الكمال لى .

ابن مجاهد روايت حديث کرده است از عبدالله بن ايوب المخرومي و محمد عبدالله الزهرى و محمد بن جهم السمري و محمد بن سعد العوفي و زيد بن اسماعيل الصايغ و سعدان الصاغانى و عباس الدورى و ديگران روايت کرده اند از او دارقطنى و ابو بكر الجعابى و ابو بكر بن شاذان و ابو جعفر بن شاهين و ديگران .

از تصنيفات ابن مجاهد كتاب القراءات الكبير ، كتاب قراءات الصغير ، كتاب الياآت ، كتاب الهاآت ، كتاب قراءات كسانى ، كتاب قراءات ابو عمرو ، كتاب قراءات حمزه ، كتاب قرائت ابن عامر ، كتاب قراءات النبى ، كتاب السبعة ، كتاب افرادات القراء السبعة ، كتاب قرائت على بن ابي طالب .

در گذشت ابن مجاهد عصر روز چهارشنبه ۲۰ شعبان سال ۳۲۴ هجرى در بغداد

و به خاک سپرده شد ظهر پنجشنبه ۲۱ در خاکدان باب البستان در جانب شرقی دارالسلام.

ابوطالب الهاشمی داماد ابن مجاهد میگوید: در دم واپسین بر بالینش بودم
 بمن فرمود:

بیرون کن از اینجا هر کس از اهل ماهست. بیرون کردم. فرمود تو هم دور شو
 چند گامی واپس رفته دور ایستادم. استقبال بقلبه و آغاز کرد بتلاوت آیاتی از قران
 مجید. اندک اندک آوازش سبک گشته و پیوسته تشهد میخواند تا خاموش شد
 ابوالفضل الزهری میگوید: بیدار گشت پدرم در شبی که ابن مجاهد در گذشته
 بود و گفت ای پسر آیا که مرده است؟

من در خواب شنیدم گوینده میگوید: قدمات اللیلة مقوم وحی الله منذ خمسين
 سنة، چون باعداد کردیم شنیدیم ابن مجاهد در گذشته است. روز چهارشنبه هنگام
 عصر مرد ظهر روز پنجشنبه سریرش را بیرون آوردند. بر او نماز گذاشت امام حسن بن
 عتبة المزیز الهاشمی نزد باب البستان در جانب شرقی دارالسلام. و بخاک سپرده شد
 در حریم خانه اش بسوق العطاش در طرف غربی.

شاطبی

کتابخانه مدرسه فیضیه

ابو محمد القاسم بن فیره بن ابی القاسم خلف بن احمد الرعینی الشاطبی العزیز
 ولی الله، الامام العلامة. کینه اش را ابوالقاسم هم گفته اند. امام شاطبی، قاسم بن
 فیره، یکی از ائمه نامی اسلام و بزرگان اعلام است. فیره بلغت اندلسی معنایش آهن
 است. رعینی نسبت بسوی ذی رعین یکی از قبائل یمن است.

شاطبی در پایان سال ۵۳۸ هجری در شاطبه از بلاد اسپانیا بجهان آمد. شاطبه
 شهر بزرگی است دارای باره استواری در بخش خاوری اندلس.

قرائت کرد شاطبی در زادگاه خود، شاطبه، قرائتهای مشهوره را با روایات
 بر ابو عبدالله محمد بن ابی العاص علی النخیر المقری و رفت از شاطبه بسوی بلنسیه و
 در آنجا عرضه داشت کتاب الیسیری را از حفظ و قرائتهار بر علی بن هذیل اندلسی و

واستماع حدیث کرد از او و فضیلتی دیگر. شاطبی رحلت کرد از اسپانیا بسوی مشرق از اروپا با آسیا آمد و برای گذاردن حج بمکه مکرمه رفت. شاطبی پس از زیارت حرمین شریفین از حجاز رهسپار مصر گشت و در بندر اسکندریه استماع حدیث کرد از ابو طاهر السلفی و دیگران و چون بسال ۵۷۳ داخل قاهره شد مقدمش را قاضی فاضل گرامی داشت و فرود آورد او را در مدرسه خودش (مدرسه فاضلیه) و شاطبی را شیخ آن مدرسه کرد. نشست امام شاطبی در مدرسه فاضلیه در شهر قاهره به آموختن علم قرائت و نحو و لغت کرد آمدند بر او طلاب علم از قطر مصری و اقطار دیگر کشورهای اسلامی

شاطبی نظم کرد در مصر قصیده لامیه و حکامه رایبه خود را.

چون سلطان صلاح الدین ایوبی در فلسطین بر صلیبیان چیره گشت و شهر اورشلیم را گشود امام شاطبی بسال ۵۸۹ برای زیارت سفری بانجا کرده و باز گشت بقاهره و ماند در مدرسه فاضلیه بافاده و اقراء تامرد.

شاطبی عالم بود بکتاب خدای، قرائتاً و تفسیراً، و بکتاب موطا امام مالک در حدیث و تصحیح میکرد نسخ آنرا از حفظ و املا میکرد نکته‌هایی بر مواضع صحیح که نیاز داشت آن مواضع. شاطبی یگانه روزگار خود بود در علم نحو و لغت و عارف به تعبیر خواب و متبحر در قرائت و تفسیر و حدیث. حافظه شاطبی بسیار قوی بود. خودش میگفت: من حفظ دارم از علوم باندازه بار شتری که اگر ورقه‌های بر آن بیفزایند تحمل نکند.

شاطبی خودداری داشت از فضول کلام، سخن نمیگفت مگر آنچه ضرور بود. شاطبی نمی‌نشست برای اقراء مگر با طهارت و در هیئت نیکو و حال خشوع و استکانت امام شاطبی صاحب قصیده معروفه ایست که نامیده است آنرا حرز الایمانی و وجه - التهنانی در قرائت مشتمل بر ۱۱۷۳ بیت که بطبع رسیده است در هند و مصر. و لقد ابداع فیها کل ابداع و هی عمده قراء هذا الزمان فی نقلهم فقل من یشغل بالقراءة الا و یقدم حفظها و معرفتها و هی مشتمله علی رموز عجیبه و اشارات خفیة لطیفة. خودش میگوید: قرائت نمیکنند کسی این حکامه را مگر اینکه خدا بتمالی او را از آن بهره‌مند میسازد